

۵۶

گنجینه

گزیده بیانات حجت الاسلام والمسلمین خضری

در خطبه‌های نماز جمعه
۱۹ شهریور ماه ۱۴۰۰



سازمان مجامع قزوین



نشریه ذکر جمعه
با هدف انتشار گزیده
بیانات ائمه جمعه قزوین در
خطبه‌های نماز جمعه، هرهفته به
صورت الکترونیکی از طریق شبکه
های اجتماعی ستاد نماز جمعه
منتشر می‌گردد.
لازم به ذکر است متن بیانات ائمه
محترم جمعه، با حذف و اضافات و
ویرایش همراه است و سعی شده
است جهت مطالعه و بهره‌جویی
هرچه بهتر مخاطبین گرامی،
اهم محورها ارائه گردد.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ
وَلَا يُحْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ وَلَا يُؤَدِّي حَقَّهُ
الْمُجْتَهِدُونَ الَّذِي لَا يُدْرِكُهُ بُعْدُ الْهَمَمِ وَلَا يَنَالُهُ
غَوْصُ الْفِطْنِ الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ وَلَا
نَعْتٌ مَوْجُودٌ وَلَا وَقْتُ مَعْدُودٌ وَلَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ
فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ وَنَشَرَ الرِّيَّاحَ بِرَحْمَتِهِ وَوَتَدَّ
بِالصُّخُورِ مَيِّدَانَ أَرْضِهِ^۱.

ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلِهِ
العالمين، ابي القاسم المصطفى مُحَمَّدٍ وَعَلَى
أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ المعصومين المكرَّمين،
سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ، رُوحِي وَأَرْوَاحُ
العالمين لِثَرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ.

أَوْصِيكُمْ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ.

۱ . بخشی از خطبه ۱ نهج البلاغه: خدای را سپاس که گویندگان به عرصه ستایشش نمی‌رسند و شماره‌گران از عهده شمردن نعمت‌هایش برنیايند و کوشندگان حقش را ادا نکنند.

خدایی که اندیشه‌های بلند او را درک ننمایند و هوش‌های ژرف به حقیقتش دست نیابند. خدایی که اوصافش در چهارچوب حدود نگنجد، به ظرف وصف درنیاید و در مدار وقت معدود و مدت محدود قرار نگیرد. با قدرتش خلائق را آفرید، با رحمتش بادها را وزیدن داد و اضطراب زمینش را با کوه‌ها مهار نمود.



تقوا! یاریگر انسان در جایی که عقل عاجز میشود

خودم و شما را به تقوای الهی سفارش میکنم. امروز به روایتی سالروز میلاد حضرت باقر علیه السلام است. امام باقر علیه السلام در نامهای به سعد الخیر، از اصحابشان فرمودند که:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقِي بِالتَّقْوَى عَنِ الْعَبْدِ مَا عَزَبَ عَنْهُ عَقْلُهُ وَيُجَلِّي بِالتَّقْوَى عَنْهُ عَمَاهُ وَجَهْلَهُ وَبِالتَّقْوَى نَجَّى نُوحٌ وَمَنْ مَعَهُ فِي السَّفِينَةِ وَصَالِحٌ وَمَنْ مَعَهُ مِنَ الصَّاعِقَةِ وَبِالتَّقْوَى فَازَ الصَّابِرُونَ وَنَجَتْ تِلْكَ الْعُصْبُ مِنَ الْمَهَالِكِ^۱.

خدای متعال به واسطه تقوایی که ما رعایت میکنیم، چیزهایی را که عقل مان توان درک آنها را ندارد از ما دفع میکند یا ما را نسبت به آنها حفظ میکند. ما یک دستگاه محاسباتی درونی به نام عقل داریم. محاسبه میکند که مثلاً پنجاه متر جلوتر از شما یک چاله هست. وقتی در خیابان حرکت میکنید، در فاصله پنجاه یا صد متری، دست انداز، چاله یا شیئی را که در جاده افتاده می بینید. این را عقل محاسبه

۱ . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، به تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷، ص ۵۲؛ ترجمه: خداوند عزوجل به واسطه تقوا آنچه عقل بنده به آن نمی رسد، از وی دور می گرداند و به وسیله تقوا کوری و نادانی او را برطرف می سازد. به کمک تقوا بود که نوح و کسانی که با او در کشتی بودند نجات یافتند و صالح و پیروانش از صاعقه رستند و با تقواست که شکیبایان کامیاب شدند و آن گروهها از مهلکهها رهایی یافتند.





عاشورا یک

پیمان مسیحت



میکنند. لذا قبل از اینکه به آن دست‌انداز برسید، ترمز میکنید و جهت تان را تغییر میدهید. در زندگی هم همین طور است. ما موانعی را میبینیم که دستگاه محاسباتی عقل قبل از اینکه ضرر مادی و روحی بکنیم، تشخیص میدهد و ترمز میزند؛ اما یک سری از دست‌اندازها و چاله‌ها هستند که عقل نمیتواند تشخیص دهد و انسان در آن چاله‌ها میافتد.

حضرت باقر علیه السلام میفرماید آن دستگاه محاسباتی که آن چاله‌ها را هم تشخیص میدهد ((تقوا)) است. یعنی ما به تنهایی با کمک عقل و تفکر نمیتوانیم در مسیر زندگی حرکت کنیم. نیاز به نرم افزار دیگری به نام تقوا داریم. این تقوا ما را محافظت میکند از چیزهایی که نمیبینیم و تشخیص نمیدهیم. وقتی تقوا را رعایت میکنیم، میبینیم که در چاله‌ها نیفتادیم! لذا اهل تقوا را ببینید: بسیاری از گرفتاریها را در زندگی هایشان ندارند خدای متعال برای اهل تقوا محل خروج و گشایش قرار داده است.

حضرت در این روایت نورانی میفرماید: ((وَيُجَلِّي بِالتَّقْوَى عَنْهُ عَمَاهُ وَجَهْلُهُ))؛ [یعنی] چیزهایی که ما کور هستیم و نمیبینیم. چراغ عقل ما در تاریکی شب



صد متر را نشان می‌دهد و بعد از آن را نمی‌بینید. چراغ دیگری مافوق عقل می‌خواهیم. نورافکنی می‌خواهیم که کیلومترها را برای ما روشن کند؛ لذا تقوا نور است. اثر تقوا این است که انسان بینا میشود. «فرقان» که در قرآن کریم به آن اشاره شده است، همان نورافکن تقواست که چاله‌های زندگی را تشخیص می‌دهد.

حضرت در ادامه روایت می‌فرمایند که: «نَجَا نُوحٌ وَمَنْ مَعَهُ فِي السَّفِينَةِ.» بالاترین بلا این بود: کل دنیا را آب گرفت و همه چیز نابود شد و زیر آب رفت. به تقوا بود که حضرت نوح علیه السلام و کسانی که با حضرت نوح علیه السلام بودند نجات پیدا کردند.

«وَصَالِحٌ وَمَنْ مَعَهُ مِنَ الصَّاعِقَةِ.» به تقوا بود که حضرت صالح علیه السلام و پیروانش از آن صاعقه عظیم نجات پیدا کردند.

«وَبِالتَّقْوَى فَازَ الصَّابِرُونَ.» و به واسطه تقواست که صبرکنندگان [رستگار میشوند]. در کرونا بعضی‌ها صبر میکنند؛ اما تقوا ندارند. صبر [همراه] با تقوا [باید باشد]. برای اینکه از این مهلکه کرونا بیرون بیاییم، تقوا نیاز است.





در آخر میفرماید: «وَنَجَتْ تِلْكَ الْعُصْبُ مِنَ الْمَهَالِكِ.»
مؤمنین در طول تاریخ از مهلکه‌ها به واسطه تقوا
نجات پیدا کردند. خدای متعال را میخوانیم که به
ما توفیق تمرین تقوا را عنایت بکند که همان رعایت
واجبات و محرمات میشود.

مؤلفه‌های تربیتی در جریان اسارت اهل بیت علیهم‌السلام پس از واقعه عاشورا

ماه صفر ایام عزای اهل بیت و اسارت آل الله علیهم‌السلام
است. در همین هفته‌ای که در پیش داریم سالروز
شهادت حضرت باب الحوائج، بنت الحسین، حضرت
رقیه علیها‌السلام است. سوآلی که مطرح میشود این است
که چه عامل تربیتی‌ای خاندان سیدالشهدا و
امیرالمؤمنین علیهم‌السلام را در مسیر شام و در این بلای عظیم
پیروز و موفق کرد؛ چنانکه حضرت سجاد علیه‌السلام فرمودند
شام برای ما سخت‌تر از کربلا بود. امیرالمؤمنین علیه‌السلام
رئیس این دانشگاه است و [چنین] خانواده‌های
تربیت کرده است. [در] کربلا [همه] تربیت شده
های امیرالمؤمنین هستند: فرزندان امام مجتبی،
فرزندان سیدالشهدا، فرزندان عقیل، فرزندان عبدالله
بن جعفر و فرزندان خود امیرالمؤمنین علیهم‌السلام. رئیس
دانشگاه و خانواده و کسی که دانشگاه بزرگ کربلا



را درست کرد، خود امیرالمؤمنین علیه السلام است. این چه عامل تربیتی ای بود که فرزندان تربیت کرده که سه ساله آنها هم حماسه آفریده است؟ یعنی اینطور نیست که فکر کنیم اینها همراه بودند و حالا به شهادت رسیدند. نه! اینها از اولیای الهی بودند و تربیت شده دانشگاه امیرالمؤمنین و نهج البلاغه هستند. این عوامل تربیتی خیلی مهم هستند و جای بررسی دارد.

در نقلهای تاریخی تا شش مسیر را برای کاروان اسرا گفته اند. طولانی ترین مسیر مسیر سلطانی است که حدوداً ۱۴۰۰ کیلومتر و کنار آب است. یک مسیر کنار فرات است که حدوداً ۱۱۰۰ کیلومتر است. مسیر دیگری که احتمالاً اسرا را از آن برده اند، مسیری است که اسب سوارها و پیک های حکومتی از آن میرفتند. این مسیر ۹۰۰ کیلومتر است و کوتاهترین راه است. این ۹۰۰ کیلومتر تماماً بیابان است؛ یعنی آب وجود ندارد. احتمالاً اسرا را از این مسیر بردند که با شهرها برخورد نکنند؛ چون باعث شورش میشد. لذا از بیابانها بردند؛ زیر آفتاب داغ و دور از آب. امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان، امام زین العابدین علیه السلام روایتی نقل کرده





اند که [ایشان] فرمودند: مرا بر شتری لنگ و بدون جهاز سوار کردند و هرکس گریه میکرد، با نیزه به سر او میکوبیدند. نقل شده است که [این] خانواده را تشنه و گرسنه در بیابانها کشیدند. وقتی اولین پیک‌ها به دربار یزید رسیدند، یزید گزارش خواست. گفتند ما هر کاری کردیم اینها تسلیم نشدند و به ما التماس نکردند. آن عامل تربیتی چیست؟ یکی از مهمترین عوامل تربیتی جریان اسارت آل الله و اینکه اینها مقاومت کردند و پیروز شدند، بحث «مسئولیت پذیری» است؛ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام خانواده‌ای تربیت کرده است که مسئولیت‌پذیر هستند، نه مسئولیت‌گریز.

ما دو دسته آدم داریم: آدمهایی که مسئولیت‌پذیرند و انسانهایی که مسئولیت‌گریزند. اصلاً مشکل مردم کوفه مسئولیت‌گریزی بود. هم در دوران امیرالمؤمنین علیه السلام و هم در دوران سیدالشهدا علیه السلام مسئولیت‌گریز بودند. امیرالمؤمنین در نهج البلاغه به این ضعف مردم کوفه اشاره میکند و میفرماید: «فَتَوَاكَلْتُمْ وَتَخَاذَلْتُمْ حَتَّى سُنَّتْ عَلَيْكُمُ الْغَارَاتُ وَمَلِكَةٌ عَلَيْكُمُ الْأَوْطَانُ.»^۱ «تَوَاكَلْتُمْ» یعنی کار خودتان را به

۱. بخشی از خطبه ۲۷ نهج البلاغه؛ ترجمه: سستی به خرج دادید و خواری و ذلت پذیرفتید تا آنجا که دشمن پی‌درپی به شما



دوش دیگران انداختید و از خودتان سلب مسئولیت کردید. گفتید فلانی هست، آنها هستند، آن جمع هستند و دیگر به ما ربطی ندارد. بعضی ها راحت سلب مسئولیت میکنند. مردم کوفه اینگونه بودند. میفرماید شما از خودتان سلب مسئولیت کردید تا اینکه دائماً دشمن شما را غارت کرد. این ضعف مردم کوفه است.

مشکل جامعه صدر اسلام در دوران امیرالمؤمنین علیه السلام این است که مسئولیت گریز بودند. امیرالمؤمنین علیه السلام در برابر این جو مسئولیت‌گریزی، خانواده ای مسئولیت‌پذیر تربیت میکند، حتی کودکان: حضرت عبدالله بن حسن علیه السلام در عاشورا یازده ساله است. سیدالشهدا علیه السلام به حضرت زینب علیه السلام فرمودند این بچه را محکم بگیر و او را حبس کن؛ اما [او] بر اساس قاعده «آتش به اختیار» [عمل کرد]. قاعده آتش به اختیار این است که اگر امام تنها شد، اگر یاران کمک نکردند و اگر انصار و پیرمردها ولی خدا را [تنها گذاشتند، تو از امام حمایت کن]. در زمان سیدالشهدا علیه السلام انصار پیامبر زنده بودند و تعداد صدها [نفر از] انصار و تابعین بودند که به



امام حسین علیه السلام کمک نکردند؛ اما یک بچه یازده احساس مسئولیت میکند، مسئولیت‌پذیر است و از امام خودش دفاع میکند. [فرزند] سه ساله اباعبدالله علیه السلام شام را به عزاخانه تبدیل میکند و اولین جلسات روضه در شام گرفته میشود. این حماسه یک سه ساله است؛ لذا باب الحوائج شده است. اینها مسئولیت‌پذیری است.

مسئولیت‌گریزی؛ مهمترین عامل طلاق در کشور

همین چند روز قبل آماری منتشر کردند که برای امروز ما خیلی قابل توجه بود. آمار این بود که مهمترین عامل طلاق در کشور ما مسئولیت‌گریزی است. نه اعتیاد و نه فقر، [بلکه] مسئولیت‌گریزی. در سال ۹۸ [هم] همین آمار منتشر شد [و نشان داد که] اولین عامل طلاق در این کشور مسئولیت‌گریزی است. در سال ۹۷ [هم] اولین عامل طلاق همین بوده است. مسئولیت‌گریزی یعنی زن و مرد (این دختر و پسر جوانی که ازدواج کرده‌اند) نمیخواهند مسئولیت اداره خانواده و بچه‌ها را به عهده بگیرند. این خیلی هشدار مهمی است! ما باید دقیقاً روی نقاطی کار



کنیم که [در آنها] ضعف داریم.

بعضاً جاهایی کار میکنیم که فایده ندارد. [چنانکه] میدانید بیشترین آمار طلاق به پنج سال اول ازدواج مربوط میشود؛ یعنی بچه‌هایی که [متولد] دههٔ هفتاد و اواخر دههٔ شصت هستند و الان ازدواج کرده‌اند، در پنج سال اول زندگیشان طلاق زیاد است. دلیل آن مسئولیت‌گریزی است.

دلیل وریشهٔ مسئولیت‌گریزی چیست؟

امروزه کارشناسان تربیتی پنج عامل را میگویند که ما باید در خانواده‌های خودمان و در تربیت فرزند لحاظ کنیم. این دختر یا پسری که الان ده دوازده ساله است، چند سال دیگر میخواهد ازدواج کند. این ریشه‌ها را در دوران کودکی باید درست کرد. نمیشود سر سفرهٔ عقد بچه‌ها را نصیحت کرد. ریشه جای دیگری است. ما فکر میکنیم مثلاً [اگر] بچه‌ها را نصیحت کنیم درست میشود؛ [در حالی که] بچه مسئولیت‌گریز تربیت شده است. پنج تا ریشه را عرض میکنم:

یک: محبت افراطی پدر و مادر به فرزند

مخصوصاً با رواج تک فرزندی محبت افراطی هم زیاد





شده است. قدیم مردم شش هفت تا بچه داشتند و محبت را تقسیم میکردند. الان تمام آن محبت را [بر] سر یک بچه میریزند. از عوامل مسئولیت‌گریزی در فرزندان ما، محبت‌ها و رسیدگی‌های افراطی به بچه است.

دو: انتظارات بیش از توان از فرزندان

عامل دوم انتظار بیش از توان بچه‌هاست. بعضاً کارهایی را تحمیل میکنیم و توقع داریم. نمونه آن همین جریان کنکور است که [بعضی والدین خواست خود را تحمیل میکنند و میگویند] حتماً باید [در رشته] پزشکی قبول بشوی. فشار و جنگ روانی در خانواده‌ها [ایجاد میشود] که باید مثلاً [در] فلان دانشگاه قبول بشوی؛ [در حالی که] این [فرزند] اصلاً استعداد پزشکی ندارد یا [به آن] علاقه ندارد!

سوم: سرزنش

از عوامل مسئولیت‌گریزی سرزنش است. [اگر] بچه تخم‌مرغی [را به] دست گرفته است، میگوییم بده من بیاورم. تو میشکنی! هیچ مسئولیتی به آنها نمیدهیم؛ چون اینها چند بار تجربه شده است. [او] اشتباه کرد و ما هم سرزنش کردیم. امروزه



دانشمندان تربیتی میگویند به بچه‌ها مسئولیت بدهید؛ حتی اگر خرابکاری کنند. [اگر] خرابکاری هم کردند، آنها را سرزنش نکنید و نگویید: دیدی گفتم تو بلد نیستی! بگذارید انجام بدهد. حتی میگویند مقداری خطر را بپذیرید. [اگر] پسر بچه از ارتفاعی بپرد، اشکال ندارد. پای او نمیشکند! بگذارید بپرد. وقتی پای بچه درد میگیرد، اگر او را سرزنش کنید و بگویید دیدی گفتم نباید پری، اینها بچه را مسئولیت‌گریز بار می‌آورد و اعتماد به نفس او را میگیرد.

چهارم: چالش‌گریزی

نکته بعدی چالش‌گریزی است. خانواده سعی میکنند بچه‌ها در هیچ چالشی ورود نکنند [که] مبادا اذیت شوند: بچه در ماشین نشسته و تشنه است. [پدر یا مادر] سریع [برای او] آب معدنی می‌خرد. بگذارید ده دقیقه تشنه باشد! چرا بچه نباید تشنگی تحمل کند؟! چطور بچه‌های سیدالشهدا علیه السلام ساعت‌ها تشنگی تحمل میکردند؟ اینها را کجا یاد گرفته بودند؟ اینها تمرین شده بود. چالش‌گریزی [یعنی] ما نمیخواهیم بچه‌ها در هیچ چالشی وارد شوند. امتحانات و ابتلائات محل رشد است. بچه‌های هفده هجده ساله که در جنگ بودند، در چالش‌ها رشد کردند.





پنجم: اعتماد نکردن به جوانها و نوجوانان

نکته آخر عدم اعتماد به جوانها و نوجوانهاست. این خیلی مهم است. پدر و مادر اعتماد نمیکنند و میگویند هنوز بچه است و نمیتواند ازدواج کند. ظاهراً این جمله «هنوز بچه است» خیلی کاربرد دارد. در مدیریت کشور هم خیلی کاربرد دارد. [برخی] میگویند این [شخص] جوان است! [در حالی که حضرت] آقا فرمودند جوانان شانهای خودشان را زیر بار گام دوم انقلاب بدهند.^۱ [عده‌ای] میگویند نه! اینها هنوز بچه هستند! مگر میتوانند مسئولیت قبول کنند! [حضرت] آقا در دیدار اردیبهشت ماه همین امسال فرمودند ما دولت تحول خواه می‌خواهیم. باید تحول ایجاد شود. با کار طبیعی نمیشود: «اولاً تحوّل لازم است و نیاز امروز ماست. ثانیاً تحوّل ممکن است. ثالثاً راه ایجاد تحول عبارت است از تشکیل یک دولت معتقد به تحول و معتقد به عنصر تحول آفرین، یعنی عنصر جوان نخبه مؤمن انقلابی.»^۲ [حضرت] آقا میفرماید اگر مؤمن نباشد ضرر میزند و اگر انقلابی و جهادی نباشد، با کسی که خسته یا بازنشسته است

۱ . نک: سیدعلی خامنه‌ای علیه السلام، «بیانیه گام دوم انقلاب»، سایت خامنه‌ای. آی آر، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

۲ . نک: سیدعلی خامنه‌ای علیه السلام، «بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی»، سایت خامنه‌ای. آی آر، ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۰: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47834>



فرقی نمیکند؛ پس «جوان مؤمن انقلابی».

ما از این تریبون از کسانی که تصمیم‌ساز هستند خواهش میکنیم به این فرمایش [حضرت] آقا عمل کنند. [حضرت] آقا فرمودند به عنصر تحول‌آفرین اعتماد کنید؛ حتی اگر اشتباه کند و خطا برود. [حضرت] آقا فرمودند «دولت جوان انقلابی» و «گام دوم انقلاب». نفرمودند گام اول. از گام اول گذشتیم و تمام شد. البته به مشورت و راهنمایی گام اول انقلاب نیاز داریم. اینها نص فرمایش‌های حضرت آقا است. امیدواریم انشاءالله دولتی جوان، تحول‌آفرین، انقلابی و مؤمن تشکیل شود.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾

اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾.

صدق الله العلی العظیم.



خطبه دوم

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ، اَبِي
الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمَحْجَلِينَ، يَعْشُوبِ
الدِّينِ وَصَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ
سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى
أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلَى
بَنِي مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلَى بَنِي مُحَمَّدٍ
وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلْفِ الْحَقَّةِ، حُجَّجِكَ
عَلَى عِبَادِكَ وَأَمْنَائِكَ فِي بِلَادِكَ.
أَوْصِيكُمْ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ.



لباس تقوا بهترین لباس است

روایتی از حضرت باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریف... **لِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ...**! حضرت باقر علیه السلام میفرماید که: چرا خدای متعال میفرماید لباس تقوا بهترین لباس است؟ وقتی لباس تقوا و عفاف داشته باشید، حتی اگر برهنه باشید و لباس مناسبی نداشته باشید عیوب شما آشکار نمیشود؛ چون اهل تقوا عیبی ندارد. اما اگر بهترین لباس را داشته باشید، عیوب شما آشکار خواهد شد. یعنی در پشت آن لباس های زیبا پنهان نمیماند؛ لذا لباس تقوا بهترین لباس است. انشاء الله خدای متعال به ما توفیق تقوای الهی عنایت بفرماید.

جنگ روایتها در زمان اهل بیت علیهم السلام

در زیارت سید و سالار شهدا، اباعبدالله الحسین علیه السلام عبارتی داریم و لعن میکنیم: **«قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ.»** خدا لعنت کند کسانی را که با دستان و زبانهایشان تو را کشتند. کسانی که

۱ . بخشی از آیه ۲۶ سوره اعراف: **﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا ، وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ ، ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾**؛ ترجمه: ای فرزندان آدم! ما لباسی که شرمگهتان را میپوشاند و لباسی فاخر و گران که مایه زینت و جمال است، برای شما نازل کردیم؛ و لباس تقوا [که انسان را از آلودگیهای ظاهر و باطن بازمی‌دارد] بهتر است. این [لباس که با استفاده از آن انسان به سعادت ابدی می‌رسد] از نشانه‌های خداست، باشد که متذکر [این حقیقت] شوند.





با دستانشان کشتند مشخص است: شمر، سنان، خولی و... اینها معلوم هستند؛ اما ((الأسن))، با زبان کشتند یعنی چه؟ زبان در شهادت سیدالشهدا عليه السلام چه نقشی داشت؟ حضرت زینب عليها السلام خطاب به سید و سالار شهدا جمله ای دارند. میفرمایند: ((بِأَبِي مَنْ أَصْحَى عَشْرَهُ فِي يَوْمِ الْاِثْنَيْنِ نَهْباً بِأَبِي مَنْ فَسْطَاطُهُ))^۱ پدر و مادرم فدای آن آقای که دشمنان او روز دوشنبه غارت کردند؟ چرا حضرت زینب عليها السلام میفرماید دوشنبه؟ چون ثقیفه دوشنبه بود. یعنی ریشه عاشورا از آنجا شروع شد. ما در زیارت عاشورا لعن میکنیم: ((اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ)) با زبان هم شروع شد، نه با دست. کسانی که غدیر را به گونه دیگری روایت کردند و روایت را تغییر دادند. پس سیدالشهدا عليه السلام فقط کشته شده دستها نیست. کشته شده جنگ روایت هاست. جنگ روایت‌ها یعنی دشمن از واقعه یا حقیقتی، روایت غلطی را طرح میکند و این روایت غلط منجر به عاشورا و ذبح اولیای خدا میشود؛ لذا ما در زیارت سیدالشهدا عليه السلام

۱ . علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، به تحقیق احمد فهری زنجانی، ج ۱، جهان: بی تا، ص ۱۲۷؛ ترجمه:

به فدای آن کس که سپاهش روز دوشنبه غارت شد.

لعن میکنیم کسانی را که روایت غلطی را طراحی کردند تا سیدالشهدا علیه السلام شهید شد. در رأس این راویان معاویه قرار دارد.

معاویه طراح جنگ روایت‌هاست. [او این] روایت غلط را در جامعه اسلامی طراحی کرد که: «امیرالمؤمنین علیه السلام خلیفه سوم را تشنه کشت!» این روایت [مطرح] بود؛ در حالی که امیرالمؤمنین علیه السلام در [آن] جریان [به] عثمان کمک کردند؛ به طوری که در نهج البلاغه میفرمایند من بهقدری به عثمان کمک کردم که متهم شدم! گفتند علی، تو طرفدار عثمان هستی. این طراحی جنگ روایت‌ها بود و معاویه دقیقاً میدانست چه کار کند. این موضوع را میدانست؛ لذا نتیجه آن چه شد؟ در کربلا آب را بستند. نامه عُبَیدالله موجود است که به عُمَر سعد نوشت آب را میبندی و قطره‌های آب به سیدالشهدا علیه السلام نمیرسانی. بعد دلیل آن را مینویسد. در همان نامه، خود عبیدالله ملعون نوشته است چون اینها خلیفه سوم را تشنه کشتند، در تقاص تشنه کشته شدن عثمان، به سیدالشهدا علیه السلام اجازه نمیدهی قطره‌ای آب بخورد. ببینید این روایت غلط





تا کجا آمد! تا دویست سال جنگ‌ها در جهان اسلام برای همین جنگ روایت‌ها بود. در کربلا عده‌ای خوارج بودند و با دستانشان سیدالشهدا را کشتند. شمر یکی از آنهاست. جنگ روایت‌ها از کجا آغاز شد؟ از جریان حَکَمیت گفتند علی کافر است و توبه نکرده است. چون توبه نکرده است قتل او واجب است. در عاشورا خوارج به سیدالشهدا علیه السلام گفتند: «إِنَّا نَقْتُلُكَ بُغْضًا لَأَبِيكَ.» بغض پدرت را داریم. این روایت تکفیر امیرالمؤمنین علیه السلام بود. به سیدالشهدا علیه السلام هم گفتند تو در نهروان بودی. پدرت هم امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ لذا قتل تو واجب است. امام سجاد علیه السلام فرمودند سی هزار نفر در روز عاشورا جمع شدند و پدر ما را «قربةً إلى الله» به شهادت رساندند. میخواستند به خدای متعال متقرَّب شوند!

جنگ روایت‌ها را میبینید که با یک کلمه [اتفاق افتاده است]: گفتند این اسرایی که وارد شام میشوند، «خارجی» هستند. کلمه خارجی در کوفه استفاده نشده است. در شام استفاده شده است؛ چون شام دور از امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم السلام



است. در کوچه‌ها [ی شام] پیرمردی جلوی امام سجاد علیه السلام آمد و گفت: خدا را شکر میکنم که خدا برادران، عموها و پدر تو را کشت! امام سجاد علیه السلام با آن نرمش پر از مهربانی خودشان فرمودند: پیرمرد، قرآن میخوانی؟ گفت: بله. گفت: این آیه را شنیده ای؟ [گفت:] کدام آیه را آقا؟ [امام سجاد علیه السلام] آیات اهل بیت را یکی یکی خواندند:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۱.

این [آیه] را شنیده ای؟ گفت: بله آقا، شنیده ام. [سپس این آیه را خواندند:]

﴿وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبْدِرُوا تَبْدِيرًا﴾^۲.

– شنیده ای؟ – بله، شنیده ام. – اجر رسالت را شنیده ای؟ یکی یکی آیات را خواندند تا این پیرمرد

۱ . در خانه‌هایتان قرار و آرام گیرید، [در میان نامحرمان و کوچه و بازار] مانند زنان دوران جاهلیت پیشین [که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر می‌شدند] ظاهر نشوید، نماز را بر پا دارید و زکات بدهید و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید. جز این نیست که همواره خدا می‌خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل‌بیت [که به روایت شیعه و سنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین هستند] برطرف نماید و شما را چنان که شایسته است [از همه گناهان و معاصی] پاک و پاکیزه گرداند (احزاب: ۳۳).
۲ . حق خویشتاوندان و حق تهی‌دست و ازراه‌مانده را بپرداز و هیچ‌گونه اسراف و ولخرجی مکن (اسراء: ۲۶).



نشست [روی] زمین [و شروع کرد] به گریه کردن، گفت خدایا! توبه میکنم. امام سجاد علیه السلام در جنگ روایت‌ها جنگیده است؛ یعنی روایتی که با یک کلمه شهید را به قاتل و مؤمن را به کافر تبدیل میکند. این جنگ روایت‌هاست.

جنگ روایت‌ها در زمانه ما

امروز هم ما در سخت‌ترین شرایط جنگ روایت‌ها به سر میبریم. چیز تازه‌ای نیست:

جنگ روایت‌ها در دوران دفاع مقدس

بعد از انقلاب اسلامی جنگ روایت‌ها شروع شد. در [دوران] دفاع مقدس گفتند جواب خون شهدا را چه کسی میدهد و امام رحمة الله علیه در ((منشور روحانیت))^۱ جواب این سؤال را دادند. اینها جنگ روایت‌ها بود که از [طرف] حوزه علمیه آمد که امام را با امر قدسی... یعنی جلوی امام ۷ ایستادند و گفتند خون این جوان‌ها ریخته شده است. جواب اینها را چه کسی میخواهد بدهد؟ با نام آیت‌الله این جنگ روایت‌ها را علیه امام رحمة الله علیه طراحی کردند. امروز هم میگویند جواب خون شهدای مدافع حرم را چه کسی میدهد.

۱. نک: سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، تهران: تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۹۲، ص ۲۷۳ تا ۲۹۳.

جنگ روایت‌ها در موضع ایران نسبت به تحولات افغانستان

جریان افغانستان جریان پیچیده‌ای است. امروز ما در جریان افغانستان در جنگ روایت‌ها هستیم. جریان افغانستان جریان حق و باطل نیست. روایتی طراحی میکنند که [در] افغانستان جنگ حق و باطل است. اینکه میگویند چرا ایران الان مثلاً در پنجشیر ورود نمیکند؟ مقایسه میکنند. دقت کنید! غربگرایان این حرف را پررنگ میزنند. هدف این جمله دلسوزی و خیرخواهی برای مردم افغانستان نیست. اینها میخواهند عقبه شناختی ما را در جریان مقاومت و دفاع از حرم بزنند. دقت کنید! خیلی مهم است. جریان دلسوزی نیست. میگویند شما یک عقبه فکری داشتید و میگفتید ما جریان مقاومت هستیم و از مظلومین دفاع میکنیم. رفتید در سوریه خون دادید. الان در افغانستان چرا نمیروید؟ این زدن مدافعین حرم است، همین آقایان چند سال در جریان سال ۹۴ علیه مدافعین حرم مقالات نوشتند، جملات توییت زدند و در فضای مجازی منتشر کردند. همان کسانی که آن روز میگفتند ما باید در خاک خودمان بایستیم،





باید مثل خاریشت باشیم و اینجا در کشور خودمان باشیم. ما به سوریه و عراق چه کار داریم! امروز آنها میگویند چرا دفاع نمیکنید! این زدن عقبه فکری جریان مقاومت و جریان حاج قاسم سلیمانی است. این جنگ شناختی است؛ یعنی روایت غلطی از جریان افغانستان [ارائه میدهند].

طبق فرمایش [حضرت] آقا ما مدافع مردم و امت افغانستان هستیم.^۱ ما خواستار هستیم که دولتی فراگیر آنجا شکل بگیرد؛ اما در دعوی قومیتی آنجا شرکت نمیکنیم. آنجا سوریه نیست. دولت آنجا دولتی است که عقب نشینی میکند و طالبان هم داعش نیست. گرچه ما طالبان را تطهیر نکردیم. دائماً میگویند شما طالبان را تطهیر میکنید. بله، طالبان حزب الله نیست. طالبان ویژگی‌های خودش را دارد؛ اما داعش هم نیست. اینها جای مطالعه دارد. در جریان افغانستان جنگ روایت‌ها [وجود دارد] و هدف آن زدن جریان حاج قاسم سلیمانی است. هر موقع لازم باشد که به هر نحوی از مردم افغانستان دفاع بکنیم، ورود میکنیم. هر موقع که رهبر انقلاب عَلَيْهِ السَّلَام تشخیص بدهند. ما روی اصول

۱. نک: سیدعلی خامنه‌ای، «بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت‌دولت سیزدهم»، سایت خامنه‌ای. آی آر،

۶ شهریور ۱۴۰۰: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48588>



خودمان هستیم. اینها میخواهند تناقض نمایند؛ در حالی که خودشان تناقض دارند. زمانی میگفتند: جانم فدای ایران. به غزه و لبنان چه کار داریم. امروز میگویند به کمک افغانستان برویم. اشکالی ندارد. یکی از روزنامه‌ها مقاله نوشتند و گفتند آقایان غربگراتپی تشکیل بدهند و بروند دفاع کنند. ما آماده ایم سلاح هم به آنها بدهیم [که] بروند دفاع کنند. این جنگ روایت هاست.

جنگ روایت‌ها در موضوع واکسن

در جریان واکسن برکت، [حضرت] آقا در صحنه آمدند و خودشان واکسن زدند. فرمودند این کار در تراز دفاع مقدس بود. این حماسه و این اقدام مهم را در تراز حماسه دفاع مقدس بردند. [اما گروهی] در واکسن برکت تشکیک کردند که الان عده‌ای از مردم واکسن برکت نمی‌زنند. این جنگ شناختی و جنگ روایت هاست که میگوید آب مقطر تزریق میکنید! این واکسن نیست! این را چه کسی تأیید کرده است! از یک طرف غربگرایان در این جنگ روایت‌ها بازی میکنند؛ از طرفی هم عده‌ای به اسم طب سنتی میگویند ما کلاً با واکسن مخالفیم. میگوییم حضرت





آقا فرمودند! میگویند به [حضرت] آقا هم تحمیل شده است. اگر به [حضرت] آقا تحمیل شده بود، می فرمودند واکسن بزنید. چرا گفتند [در تراز] دفاع مقدس است؟ چرا به این موضوع نمره دادند؟ این از حکمت حکیم به دور است که در چیزی که برای جان مردم ضرر دارد، خودش پیشقدم شود. نه [فقط] بزند؛ [بلکه] بگوید این [کار در] تراز دفاع مقدس بود. [در این صورت] حکمت او زیر سؤال می‌رود.

چند سال قبل حضرت آقا عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند انقلاب اسلامی دشمنانی دارد [که] مثل دشمنان امیرالمؤمنین سه دسته هستند: ناکثین، مارقین، قاسطین و... [اینها] دشمنان بنیادین [هستند]. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در خطبه سوم [نهج البلاغه] میفرماید:

﴿فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَثَتْ طَائِفَةٌ وَمَرَقَتْ أُخْرَى
و[فَسَقَ] قَسَطَ آخَرُونَ كَانْتَهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا
اللَّهَ سُبْحَانَهُ [حَيْثُ] يَقُولُ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ
نَجَعُلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا
فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۱.

وقتی من قیام به حق کردم عده ای پیمان شکستند و عده ای ریختند. سست نهاد بودند؛ همان طور

۱ . اما آنگاه که به پا خاستم و حکومت را به دست گرفتم، جمعی پیمان شکستند و گروهی از اطاعت من سر باز زده و از دین خارج شدند. برخی از اطاعات حق سر بر تافتند، گویا نشنیده بودند سخن خدای سبحان را که می فرماید: سرای آخرت را برای کسانی برگزیدیم که خواهان سرکشی و فساد در زمین نباشند و آینده از آن پرهیزکاران است.



که همراهان [حضرت] آقا بودند. آیت الله بودند؛ [اما] امروز کمکم عنوان آیت الهی از آنها گرفته میشود. اینها ریزشها هستند [که] با ولی خدا پیمان شکستند، مثل طلحه و زبیر. عده ای [هم] جاهل و خشک مغز [هستند]، مثل خوارج. اینها هم یک دسته هستند که امروز هم وجود دارند. گفته اند چند روز دیگر میخواهیم برای دفاع از اربعین تجمع بگذاریم که چرا نمیگذارید [به زیارت برویم]. [میگویند] دولت انقلابی مقابل سیدالشهدا علیه السلام ایستاده است. ببینید این جریان خشک مغزی است. دولتی را که هنوز دارد استقرار پیدا میکند و میچیند، به ضدیت با سیدالشهدا علیه السلام متهم میکنند که اختیار عراق دست او نیست. دولت عراق دولتی نیست که تابع ما باشد. وزیر امور خارجه پیگیری کرده است؛ [اما] قبول نکردند و گفتند سی هزار نفر. امروز گفتند شصت هزار نفر. ما همیشه با جریان خشک مغز [مواجهیم] که در اختیار معاویه است. نخ آن کجاست؟ نخ خشک مغزها [در] دست معاویه است که با ظاهر طب سنتی به جنگ نظام آمده اند. اینها هم خشک مغزها (جریان خوارج) هستند.

ما در حوزه طب سنتی انسان های فرهیخته، عاقل





و بسیار دانشمندی داریم. از دولت و وزیر بهداشت هم که به قزوین سفر داشتند خواهش میکنیم که جریان طب سنتی را در وزارتخانه تقویت کنند؛ چون بالاخره جریان غربگرا اجازه نمیدهد طب سنتی ورود کند. این خواهش ماست. چون طب سنتی ما طبی است که بر اساس پیشگیری از بیماری است، نه دارو. عده ای از هرچیزی سوءاستفاده میکنند. بالاخره هرچیزی بدلی دارد. جریان طب سنتی میراث و سرمایه ماست؛ اما عده ای به اسم طب سنتی، [با واکسن] مقابله میکنند. یک سری از دوستان نادان هم تبعیت میکنند.

جریان سومی که امیرالمؤمنین علیه السلام میفرماید، دشمنان بنیادین امیرالمؤمنین هستند. سه دسته در مقابل ما هستند. هر سه دسته هم جنگ روایت‌ها دارند. هم طلحه و زبیر داشتند: شتر عایشه را آوردند و گفتند شما در برابر نماد اسلام ایستاده اید؛ هم خوارج نماد پیشانی مهرخورده و جای مهر روی پیشانی‌ها را داشت و هم جریان معاویه نماد داشت، اینها در مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام صف آرایی کردند. [حضرت] آقا فرمودند امروز همان سه جریان در مقابل انقلاب اسلامی ایستاده اند. ما در این جنگ روایت‌ها هستیم. انشاءالله که بتوانیم در این جنگ

آخرالزمانی قبل از ظهور [پیروز باشیم]. دعا میکنیم
که انشاءالله فرج مولا و آقایان نزدیک باشد.

دعای پایانی

خدایا ما را ببخش و بیامرز؛
خدایا به ما توفیق مسئولیت‌پذیری در خودمان،
خانواده‌مان و ترویج این اصل مهم عنایت بفرما؛
فرج آقای ما را برسان؛
بر عزت رهبر انقلاب مُتَّوَلَّاهُ بیفزای؛
منافقین را رسوا بگردان.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْعَصْرِ ﴿١﴾

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾
إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا
بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾.
صدق الله العلي العظيم.





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران